



شرحی از احوالات ناگفته

غلامحسین خان افضل الملک

○ نادره جلالی

تفصیل و حالات دارالایمان قم در ۱۳۰۵ ه. ق. تدوین و به منظور استفاده در یکی از کتاب‌های جغرافیا حضور اعتمادالسلطنه وزیر دارالتالیفات تقدیم کرد.^۱

غلامحسین خان این کتاب را به نام سفرنامه قم یا تاریخ و جغرافیای قم، به اسم اسدالله میرزا جلال السلطان فرزند محمدتقی میرزا رکن‌الدوله نوشت. لازم به ذکر است که این اثر را آقای سیدحسین مدرس طباطبائی در ۱۳۹۶ ه. ق. در سلسله انتشارات وحید به چاپ رسانده است. این سفرنامه نیز حاوی اطلاعات جغرافیائی و تاریخی مهمی در باب شهر قم، طوایف، محلات، اماکن، باغها، شعراء و... است. غلامحسین خان خود درباره تالیف این سفرنامه می‌نویسد: «به اسم اسدالله میرزا این بنده غلامحسین مستوفی دیوان این سفرنامه را نگاشته‌ام و دیگر امیرزادگان همراهی نکردند که شرح فارس را بنگارم.»^۲

غلامحسین خان در ایام جوانی نیز سالیان متوالی از مترجمین دارالترجمه بود که مطالب سیاسی روزنامه‌های عربی را که از استانبول و مصر برای ناصرالدین شاه می‌فرستادند ترجمه می‌کرد و به حضور شاه می‌برد. وی در ۱۳۰۷ ه. ق. به سمت ندیمی رکن‌الدوله رسید که در آن هنگام والی خراسان بود. از این رو به «ندیم‌باشی» مخاطب و ملقب گردید که رقم آن را میرزا عبدالرحمن مدرس آستان رضوی به عربی انشا کرده است.^۳ سرانجام غلامحسین خان به رتبه استیفاء اول نایل گردید و ظاهراً با مستوفیان عظام درحالی که جبه‌ای از ترمه و شال و کلاهی مخصوص متوفیان داشت به حضور شاه می‌رفت.^۴

در اواخر سال ۱۳۱۳ ه. ق. که ناصرالدین شاه درگذشت و مظفرالدین شاه قاجار بر تخت سلطنت جلوس کرد، غلامحسین خان، کتاب معروف ماجرا البر مکه مع بنی عباس اثر محمددیاب اتلیدی مصری را در دست ترجمه داشت. این کتاب تاریخ عمومی اسلام است که در ۱۱۰۰ ه. ق. به رشته تحریر درآمده بود. با وقوع مرگ ناصرالدین شاه، غلامحسین خان این رویداد و تاجگذاری مظفرالدین میرزا را در دیباچه کتاب خود گنجانده.^۵

سیس در ۱۳۱۴ ه. ق. از طرف مظفرالدین شاه مامور ثبت و ضبط وقایع سلطنتی، تاریخ دولتی و تغییر و تعیین وزراء و حکام عهد مظفری شد که می‌بایستی آن را هر ساله در جلدی به حضور همایونی

بود، وی این اثر را بدو تقدیم کرد و رکن‌الدوله آن را رکن‌الاسفار نامید.^۶ این محمدتقی میرزای رکن‌الدوله برادر ناصرالدین شاه بود که در ۱۲۶۲ ه. ق. متولد شده و در ۱۳۱۸ ه. ق. درگذشت و اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطرات خود وی را چنین توصیف می‌کند:

«خلقاً بسیار زشت است. عظیم‌الجثه به حدی است که شاهزاده را از ترکیب انسانی خارج کرده است، صورت هم بسیار قبیح است، ابروهای درشت پُرمو، سبیلین کلفت و سیاه، چشم از اندازه خارج، دماغ گنده بی‌قاعده.»^۷

«غلامحسین خان در همین سال ۱۳۰۱ ه. ق. سفرنامه سحر ساحری و سفر ناصری را که حاوی یادداشت‌هایی روزانه از سفر ناصرالدین شاه قاجار به منطقه کلاردشت و طالقان از ۸ ربیع‌الاول ۱۳۰۱ ه. ق. و برگشت از سفر عتبات به تهران تا شنبه ۱۵ ذی قعدة ۱۳۰۱ ه. ق. همراه نامه‌هایی از خودش خطاب به دیگران تالیف کرد.»^۸

«ظفرنامه عضدی از دیگر تالیفات اوست که در همین ایام نوشته و آن حاوی گزارش سفر وی به همراه عضدالدوله به خراسان از آخر ذی حجه ۱۳۰۱ تا ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۰۲ ه. ق. است که آن آگاهی سودمندی از آستان قدس و موقوفات آن و فرمان‌ها و کتابخانه آنجا دربردارد.»^۹

اما غلامحسین خان در صفر ۱۳۰۴ ه. ق. در ملازمت علی نقی میرزا رکن‌الدوله (حکمران قم و ساوه و زرنند) در سمت پیشکاری وی به قم رفت و مدت هفده‌ماه در این شهر اقامت گزید. چون در دستگاه حکومتی بود از روی کتابچه جزو جمع و استفسار از بعضی آگاهان و رفتن به بلوکات رساله‌ای به نام کتابچه

آقای سیدغنی افتخاری در شماره ۲۷ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا مطلبی درباره نسخه خطی سحر ساحری و سفر ناصری مرقوم فرموده و به تناسب موضوع شرحی نیز در باب مؤلف آن قلمی داشته‌اند. اما این شرح بسیار مختصر است و به نظر می‌رسد که اطلاع کافی درین مورد حاصل ننموده‌اند. این که خود ایشان تصریح کرده‌اند «درباره کاتب به غیر از آنچه خود در گزارش این سفرنامه آورده مطلب دیگری نمی‌دانیم». اینک برای گفتار بیشتر ایشان و یاد خیری از یکی از دانشمندان و نویسندگان پرمایه و پرکار عصر قاجاری به شرح حال نویسنده کتاب سحر ساحری و سفر ناصری یعنی غلامحسین خان افضل‌الملک شیرازی الاصل می‌پردازیم.

غلامحسین خان افضل‌الملک پسر مهدی خان پسر علی‌خان شیرازی زندی است که نسب به کریم‌خان زند می‌رساند و مادرش از نوادگان دختری سیدحسن کاشانی^۱ بود. وی از مورخین، منشیان، مترجمین و ادیبان صاحب اثر دوره قاجار و از اعضای دارالتالیف ناصری بود که در ۲۵ محرم ۱۲۷۹ ه. ق. دیده به جهان گشود.^۲ وی را همه جا «کرمانی» نوشته‌اند. اما بنا به قول فرزندش غلامرضا زندی اصلاً شیرازی بوده ولی در کرمان متولد شده بود.^۳

غلامحسین خان با تحصیل علوم مختلف زمان خود مانند انشاء، حساب، فقه و اصول و حکمت و فلسفه و تاریخ قدیم و جدید ایران و تفسیر عروض و قافیه توانست به پایگاهی درخور دست یابد و پس از اتمام تحصیلات به خدمت دولت وارد شود و به اصطلاح در سلک نوکریات منسلک درآید و «مدتی حاکم رادکان و چناران و پنج طایفه اکراد نزدیک قوچان و سه طایفه رشوانلو، پهلوانلو، پروانلو شود و سپس سمت تحویلداری جنس دیوانی خراسان یابد. چندی هم حکومت خاف و تربیت‌حیدریه و پیشکاری مالیات سبزوار و تصفیه مالیات قوچان بدو تفویض شود و بعد مدتی سمت ریاست دارالانشاء و دفتر خراسان یافته و چندی هم سمت پیشکار مالیات قم و ساوه و زرنند یابد.»^۴

غلامحسین خان در ۱۳۰۱ ه. ق. از طرف دولت به معاونت وزارت مازندران رسید. در این هنگام بود که اوضاع جغرافیایی و تاریخی تمام مازندران را به رشته تحریر درآورد و چون حاکم وقت مازندران محمدتقی میرزا رکن‌الدوله پسر چهارم محمدشاه قاجار



**غلامحسین خان افضل الملک،
پسر مهدی خان پسر علی خان
شیرازی زندی است که نسب به
کریم خان زند می‌رساند و مادرش
از نوادگان دختری سیدحسن کاشانی بود.
وی از مورخین، منشیان، مترجمین و ادیبان
صاحب اثر دوره قاجار و از اعضای
دارالتالیف ناصری بود که در
۲۵ محرم ۱۲۷۹ ه. ق.
دید به جان گشود**

اطلاعاتی به خواننده عرضه می‌دارد. غلامحسین خان افضل الملک در این اثر خود یاد می‌کند که برخلاف سایر مورخین راه دروغگویی و تملق و اغراق در توصیف و شرح مطالب نیمه‌وده است و صرفاً حقیقت مطلب را بیان کرده است تا آن‌جا که می‌نویسد: «در تمجید این شاه من چه نویسم، که آیندگان نگویند: چون افضل الملک مورخ این دوره بوده است، محض تملق، تمجید نوشته است به خدای احد و واحد که من تملق نمی‌نویسم و حقیقت‌نگاری می‌کنم.»^{۱۷}

ظاهراً با عزل میرزا علی اصغر خان اتابک از مقام صدارت و بعدها روی کار آمدن سلطان عبدالمجید میرزاعین الدوله دوران آرامش و عزت افضل الملک به پایان رسید. زیرا عین الدوله نسبت به غلامحسین خان نظر مساعدی نداشته به طوری که دستور داد تا مبلغ اضافه‌ی موجب یعنی همان دویست و نود تومان یا به قولی دیگر سیصد و چهل تومان را از حقوق دیوانی وی کسر نمایند.^{۱۸}

اما با پیش آمد آشوب‌های تهران و روی کار آمدن میرزا نصرالله خان مشیرالدوله، غلامحسین خان عریضه‌ای شکایت‌آمیز از رفتار عین الدوله با خود می‌نویسد و ظاهراً بنا به دستور مشیرالدوله مبلغ مذکور که قطع شده بود دوباره به حقوق دیوانی وی افزوده می‌شود.^{۱۹}

غلامحسین خان در افضل التواریخ مطالب انتقادی خود را گاه به صراحت و بعضاً به صورت کنایه و شیوه طنزگون بیان داشته است، به طور مثال درباره‌ی استقراض خارجی می‌نویسد:

«این قرض در سلطنت این شاهنشاه عادل باذل

میرزا علی اصغر خان اتابک تقدیم کند. وی خود در این باره چنین می‌نویسد:

«چون نوبت شهرسازی ایران به مظفرالدین شاه رسید، به یادگار ظهور و جلوس این شه‌ریار در کمال عجله شطری از کتاب اعلام الناس را که در شرح حال و اتفاقات زمان خلفا و دوران است و به زبان عربی تملیق شده است، ترجمه کرده، حکایات خوب و روایات مرغوب آن را، بدون تکلف انشاءپردازی و تاسف قافیه‌سازی، به زبان پارسی درآورده. تقدیم داشتیم و چون ترجمه آن در جلوس این شه‌ریار واقع شد. لهذا این کتاب را «جلوس مظفر» موسوم ساختیم. در آخر سنه ۱۳۱۳ ه. ق. و ابتدای ۱۳۱۴ ه. ق. در مقدمه ترجمه این کتاب، بعضی از عطف‌ها و عدالت‌های این پادشاه را نسبت به رعایا نگاشته، باقی آثار و مآثر سلطانی را یوماً فی یوماً، در سنه ۱۳۱۴ مدون ساخته... چون تاریخ جلوس مظفر را نگاشته و ضمیمه ترجمه اعلام الناس نموده، به خاکبای مبارک تقدیم داشتیم، امر مقرر شد که همه ساله شرح وقایع سلطنتی و کارهای عمده دولتی را بنگارد و کتابی به حضور مبارک تقدیم دارد.»^{۲۰}

بدین ترتیب وی تاریخ جلوس مظفرالدین شاه را تا چهار سال بعد از آن تاریخ ۱۳۱۷ ه. ق. به رشته تحریر درآورد که همان کتاب معروف افضل التواریخ است که یکی از منابع مهم عصر مظفری به شمار می‌رود.^{۲۱} غلامحسین خان در باب مواجهه‌ی که از بابت نوشتن این اثر دریافت داشته است می‌نویسد:

«لهذا به افتخار این بنده نگارنده دستخط مبارک همایونی خطاب به آقامیرزا علی اصغر خان [امین‌السلطان] صدر اعظم شرف صدور یافت که تعیین لقبی از برای این فدوی کرده، فرمان صادر شود، و نیز اضافه‌ی مواجهه‌ی مرحمت گردد که از برای مخارج این کتاب فدوی باشد. باری دویست و نود تومان اضافه‌ی موجب، به فدوی مرحمت شد و نیز خود بندگان حضرت صدارت عظمای لقب بنده را «افضل الملک» فرمود.^{۲۲} [۱۳۱۶ ه. ق.]

غلامحسین خان در این کتاب علاوه بر شرح جلوس مظفرالدین شاه، راجع به افرادی که به حکومت ولایات یا وزارت و پیشکاری ایالات، مباحثی ادارات و بیوتات دولتی، اعطای لقب یا امتیازاتی نایل شده‌اند و یا افراد معروفی که در آن هنگام وفات یافتند و...

وقوع یافته است والا در دوره سلطنت شاهنشاه شهید سعید، چنین قرضی نبود و من نمی‌دانم که این پول را برای چه مصرف قرض کرده‌اند، تا شرح آن را بنگارم. فضول هم نیستم که تحقیق درین خصوص کنم. به جعل و جعل می‌توانم احداث قوی کنم، لیکن من اهل جعل نیستم... سپس ادامه می‌دهد، خدایا ما را دیگر ذلیل فرنگیان دنی الطبع پست فطرت نفرما که ظاهراً عادل بوده و اسباب آسایش فراهم می‌آورند و باطناً هزارگونه تخریب دارند.»^{۲۰}

همچنین در انتقاد از تمدن و فرهنگ غرب و مقایسه با فرهنگ خودی می‌نویسد: «لاهل اروپ جز محسوسات، درک معقولات ندارند و اسم آن را موهومات می‌گذارند.

غالباً فرنگیان منکر معقولات و معانی هستند.»^{۲۱} با حکومت یافتن علی نقی میرزا رکن الدوله پسر محمدتقی میرزا در خراسان (۱۳۲۱ ه. ق.)، غلامحسین خان سمت ریاست دفتر و منشی‌باشی گری وی یافت، و چون علی نقی میرزا به حکومت کرمان رسید (۱۳۲۲ ه. ق.) همراه وی بدانجا رفت و سفرنامه خراسان و کرمان را به رشته تحریر درآورد.^{۲۲} که در آن پیرامون اوضاع جغرافیایی، شرح حال رجال و صورت مالیات خراسان و کرمان مطالبی مندرج است. چون علی نقی میرزا مرتبه دوم به ایالت خراسان و سیستان منصوب شد وی به ریاست دارالانشاء ایالتی انتخاب شد و به صدور احکام و ارقام تحریرات دولتی و ایالتی پرداخت و سرانجام ظاهراً بعد از مشروطیت به معاونت حکومت مازندران رسید که ماهی صد و پنجاه تومان مقرری دریافت کرد. بعد به تهران احضار شد و از آن پس دیگر به کارهای دیوانی اشتغال نوزید و ایام زندگانی را به مطالعه کتب سیر و تواریخ و دواوین شعرای باستان از عرب و عجم سپری کرد.^{۲۳}

ظاهراً برای غلامحسین خان افضل الملک سفری هم به کربلا نوشته‌اند که در آنجا از محضر اساتید برجسته شعر عرب چون محمد سعید عرب بهره جسته که استاد قصیده‌ای در مدح غلامحسین خان سروده و در آن به لقب و اسم و تخلص وی اشارتی کرده است و در همین سفر بوده که دست به تالیف سفرنامه‌ای زد که این سفرنامه در کتابخانه شخصی وی موجود بوده است، و در آن اشعار فصیح شعرای عرب معاصر خود و نزدیک به آن زمان را ثبت و ضبط نموده است.^{۲۴}

«دیگر از آثار به جامانده از غلامحسین خان گراسه



**غلامحسین خان... رساله‌ای به نام
کتابچه تفصیل و حالات دارالایمان قم
در ۱۳۱۵ هـ. ق. تدوین و به منظور
استفاده در یکی از کتاب‌های جغرافیا
حضور اعتمادالسلطنه،
وزیر دارالتالیفات تقدیم کرد.
غلامحسین خان این کتاب را
به نام سفرنامه قم یا تاریخ و
جغرافیای قم... نوشت**

المعی، صدرالتواریخ یا به عبارت دیگر تاریخ صدور قاجاریه، قران السعاده یا قران السعادتین، افضل التفاسیر و نیز دو مجموعه یادداشت‌های تاریخی، مشتمل بر یادداشت‌ها، سوادنامه‌ها و احکام مختلف است»^{۲۵} که به نظر می‌آید منظور از یادداشت‌ها همان مجموعه معروف کراسه‌المعی است که در مدت چهارده سالی که در دارالتالیفات دولتی و دارالترجمه ریاست و ناظمی داشته به مرور ایام جمع‌آوری و به خط کاتب و منشی دارالتالیفات و خطوط و معاریف و غیرهم و خط وی که آن مجموعه را کراسه‌المعی نامیده است.

لازم به ذکر است صدرالتواریخ را در شرح حال دوازده نفر صدراعظم سلاطین قاجاریه به اسم محمدحسن خان اعتمادالسلطنه وزیر دارالتالیفات ناصری نوشته است.^{۲۶}

«غلامحسین خان افضل‌الملک نه تنها مترجم، تاریخ‌نویس و ناقد سیاست و اجتماع بود بلکه اهل شعر نیز بود و «المعی» تخلص می‌کرد،^{۲۷} وی قصیده‌ای در مدح حضرت فاطمه (ع) سروده و به مجلس جشن و ضیافت منیرالسلطنه مادر کامران میرزا پسر ناصرالدین شاه فرستاده بود. وی در خلال ابیات این قصیده به ضیافت و دعوت منیرالسلطنه اشاره کرده و وی را ستوده است.^{۲۸} و قصیده دیگر در تهنیت میلاد امام زمان و مدح محمدتقی میرزا رکن‌الدوله است با این مطلع:

شب گذشته بتی دلریا و سیمین تن
نمود از رخ خود کلبه مرا گلشن
بجلوه طلعت او مهر و ماه را آفت
بغمزه نرگس او دین و عقل را رهزن^{۲۹}
می‌توان گفت غلامحسین خان افضل‌الملک در نقد ادبی نیز دستی توانا داشت و گواه این مدعا انتقاد وی بر کتاب الغلیل و نقد اشعار عربی آقاصیرزا محمدرقیع طباطبائی نظام‌العلماء تبریزی است»^{۳۰}

سرانجام دفتر زندگانی غلامحسین خان افضل‌الملک، این مترجم، تاریخ‌نویس و ادیب عصر قاجار در ۲۳ محرم ۱۳۴۸ هـ. ق. در تهران بسته شد.^{۳۱}

سرانجام چهارمین علی نقی میرزا رکن‌الدوله است که در کتاب شرح حال رجال بامداد، ج ۳، آقای بامداد او را رکن‌الدوله ثانی خطاب می‌کند در حالی که او چهارمین نفری است که ملقب به رکن‌الدوله شده است.

۹- افضل‌الملک، تاریخ و جغرافیای قم، ص ۲ م، لازم به ذکر است در فهرستواره منزوی ج ۱، ص ۱۱۷ آمده است: «افضل‌الملک این سفرنامه را هنگام پیشکاری حکومت قم برای محمدتقی میرزا رکن‌الدوله نگاشته است.» ظاهراً چون اعتمادالسلطنه درصدد تهیه جغرافیای مفصلی از ایران تحت نام «مراه البلدان» بوده افضل‌الملک این کتاب را که راجع به تاریخ و جغرافیای قم است نوشته و بدو داده است. شاید هم اعتمادالسلطنه خود از او درخواست تهیه چنین کتابی را کرده است.

۱۰- افضل‌الملک، تاریخ و جغرافیای قم، ص ۶.

۱۱- همان، ص ۱۰۹.

۱۲- همان، ص ۱۱.

۱۳- منزوی، همان، ص ۵۹۷.

۱۴- افضل‌الملک، افضل‌التواریخ، ص ۵، رجوع کنید به روزنامه ایران، ج ۵، ص ۳۹۱۲، انتشارات کتابخانه ملی، چ اول، ۱۳۷۸.

۱۵- همان، ص ۱۴ م.

۱۶- همان، ص ۲۶، ۲۵ و نیز رجوع کنید به روزنامه ایران، ج ۵، مورخه ۲۹ جمادی‌الآخر ۱۳۱۶، ص ۹۴۷، ص ۳۸۱۰.

۱۷- همان، ص ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۲۹۳، ۲۳۰ و نیز نگاه کنید به ص ۱۷ م.

۱۸- رجوع کنید به مصاحبه نائینی (عبرت)، همان، ص ۸۷.

۱۹- افضل‌الملک، تاریخ و جغرافیای قم، ص ۱۰.

۲۰- افضل‌الملک، افضل‌التواریخ، ص ۲۹۸.

۲۱- همان، ص ۲۱ م.

۲۲- بامداد، همان، ص ۴۹۸، ۴۹۹، و نیز نگاه کنید به اثر فرینان، ج ۱، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چ اول، ۱۳۷۷، ص ۲۲۷ و نیز ر. ک تذکره شاعران کرمان تألیف دکتر حسین بهزادی، اندوهجردی، انتشارات هیرمند، چ اول، ۱۳۷۰، ص ۳۴ و منزوی، همان، ص ۱۰۶.

۲۳- افضل‌الملک، تاریخ و جغرافیای قم، ص ۱۳ و نیز رجوع کنید به مصاحبه نائینی (عبرت)، همان، ص ۸۷.

۲۴- همان، ص ۱۶ و مصاحبه نائینی، همان، ص ۸۹، ۹۰.

۲۵- افضل‌التواریخ، ص ۲۵۲.

۲۶- مصاحبه نائینی، همان، ص ۹۱.

۲۷- همان، صص ۸۷، ۹۸، ۱۰۱.

۲۸- همان، ص ۹۸.

۲۹- همان، ص ۱۰۱.

۳۰- افضل‌التواریخ، ص ۴۲۵ تا ۴۲۷.

۳۱- مصاحبه نائینی، همان، ص ۹۴ و نگاه کنید به افضل‌الملک، تاریخ و جغرافیای قم، ص ۱۶.

پپی نوشت‌ها:

۱- مصاحبه نائینی، محمدعلی (متخلص به عبرت)، تذکره مدینه الادب، تهران کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی، چ اول، ۱۳۷۶، ج اول، ص ۸۶.

به نظر می‌رسد همان مولانا حسن کاشی املی معروف صاحب هفت بند باشد که در مجالس المومنین ج ۲ تألیف علامه قاضی نورالله شوشتری، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، چ اول، ۱۳۷۵ هـ. ق، ص ۶۲۶، ذکرش به تفصیل آمده است.

۲- افضل‌الملک، غلامحسین، افضل‌التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، انتشارات نشر تاریخ ایران، چ اول، ص ۲۱.

۳- افضل‌الملک، غلامحسین، تاریخ و جغرافیای قم، به اهتمام حسین مدرس طباطبائی، انتشارات وحید، ۱۳۹۶ هـ. ق، چ اول، ص ۱۴ م.

۴- همان، ص ۸ م.

۵- منزوی، احمد، فهرستواره کتابهای فارسی، چ اول، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چ اول، ۱۳۷۴، ص ۷۹ جهت اطلاع بیشتر نگاه کنید به تاریخ و جغرافیای قم تألیف افضل‌الملک اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، روزنامه خاطرات، به

کوشش ایرج افشار، امیرکبیر، چ ۴، ۱۳۷۷، ص ۱۲۱ و نیز نگاه کنید به بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، ج ۳، زوار، چ ۴، ص ۳۱۹-۳۱۷.

۷- منزوی، همان، ص ۱۳۳.

۸- همان، ص ۱۴۲، لازم به ذکر است که عضدالدوله‌ای که اینجا عنوان گردیده ظاهراً باید همان نویسنده تاریخ عضدی سلطان احمد میرزا باشد و هم از اینرو چون در زمان سابق الذکر محمدتقی میرزا رکن‌الدوله ولایت خراسان را در ذمه داشتند صحیح‌تر آن است که هم‌رکاب مولف رکن‌الدوله باشد و نه عضدالدوله.

اولین رکن‌الدوله در دوره قاجار علی نقی میرزا پسر هشتم فتحعلی شاه است. دومین آنها اردشیر میرزا رکن‌الدوله پسر عباس میرزای نایب‌السلطنه، سومین محمدتقی میرزا پسر محمدشاه و